گذر

فراری ۲۰۰ میلیون‌تومانی در ایران

■ **ایسنا:** در حالی که خودرو «فراری» شروط لازم را برای ثبت سفارش واردات به ایران ندارد و در فهرست خودروهای مجاز وارداتی نیز نامی از آن برده نشده، اما از این نوع خودرو به ایران وارد شده است. براساس آمارهای گمرک کشور در آبان‌ماه امسال یک دستگاه خودرو سواری فراری ۸۵۴ ایتالیا، ۴۵۰۰ سی‌سی مدل ۲۰۱۲ به ارزش ۱/۷میلیارد ریال (معادل ۱۶۶هزار دلار در آن زمان) با وزن ۱۵۰۰ کیلوگرم از کشور امارات متحده عربی وارد ایران شده است. این در حالی است که این خودرو به دلیل اینکه نمایندگی در ایران ندارد، دارای شرط خدمات پس از فروش برای واردات به ایران نیست. به گفته رییس سازمان توسعه تجارت ایران، شروط واردات برای خودرو چهار مورد نو بودن، دارای خدمات پس از فروش، گواهی موسسه استاندارد و گواهی مصرف بهینه سوخت است. از سوی دیگر مراجعه به فهرست خودروهای مجاز به ثبت سفارش واردات به ایران نیز نشان می‌دهد اصلا نامی از خودرو فراری برده نشده است.

۹ماهه امسال رخ داد

واردات ۲۴۴میلیون دلار قطعات خودرو از چین

■ **ایسنا:** واردات انواع قطعات موردنیاز برای تولید خودرو از چین در ۹ماهه سال جاری به بیش از ۲۴۴میلیون دلار رسید. براساس آمار گمرک ایران در ۹ماهه سال جاری ارزش واردات انواع قطعات خودرو از چین به ۲۴۴میلیون و ۱۱۳هزارو ۲۲۳دلار رسید. همچنین وزن این میزان واردات نیز بالغ بر بیش از ۴۶هزار تن شد. در ۹ماهه سال جاری انواع قطعات منفصله موردنیاز برای تولید خودروهای مینی‌بوس، اتوبوس، سواری، وانت، کامیون و کامیونت از چین وارد ایران شد.

پیش‌بینی تازه اکونومیست از نرخ تورم در ایران

■ **ایسنا:** تازه‌ترین پیش‌بینی واحد اطلاعات اکونومیست از دو برابر شدن نرخ تورم ایران در سال جاری خبر می‌دهد. واحد اطلاعات اکونومیست در گزارش‌ماه دسامبر ۲۰۱۱ خود نرخ تورم ایران در سال گذشته را ۱۰/۱درصد برآورد و پیش‌بینی کرد که این شاخص در سال جاری دو برابر شده و به ۲۰/۲درصد برسد. به اعتقاد این واحد اقتصادی، نرخ تورم ایران در سال جاری بالاترین میزان از سال ۸۷ بوده و انتظار می‌رود که از سال آینده روند نزولی در پیش گیرد. این موسسه حذف یارانه‌ها را دلیل اصلی نرخ تورم بالای ایران در سال جاری عنوان کرده و می‌گوید: حذف یارانه‌ها به افزایش شدید بهای سوخت، برق و آرد شده است.

ورود گسترده تجهیزات بی‌کیفیت چینی و هندی به صنعت برق

■ **مهر:** دبیر سندیکای صنعت برق گفت: ورشکستگی‌های صنایع داخلی منجر به ورود گسترده کالاهای بی‌کیفیت چینی و هندی به صنعت برق شده است. حمیدرضا صالحی درباره مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی سازندگان داخلی تجهیزات صنعت برق با بیان اینکه در حال حاضر عدم دریافت مطالبات و خسارت حاصل از تاخیر، دریافت این مطالبات منجر به ورشکستگی و کاهش ظرفیت تولید سازندگان تجهیزات صنعت برق شده است، گفت: در شرایط فعلی مهاجرت نقدینگی‌های سرگردان به بازار ارز و سکه و حرکت بانک‌ها برای خرید ارز به یکی از چالش‌های دیگر سازندگان داخلی تبدیل شده است. دبیر سندیکای صنعت برق با اشاره به عدم گشایش اعتبارات اسنادی ریالی، نوسانات متعدد نرخ ارز از خرید مواد اولیه همچون مس، فولاد و آلومینیوم را به عنوان چالش‌های دیگر پیش‌رو در این بخش عنوان کرد و افزود: از سوی دیگر بانک‌ها هیچ تمایلی برای ارایه وام به سازندگان و صنعتگران صنعت برق ندارد. این فعال اقتصادی از واردات برخی از تجهیزات صنعت برق از خارج کشور به دنبال ورشکستگی و تعطیلی برخی از کارخانجات داخلی خبر داد و افزود: همزمان با تعطیل شدن واحدهای تولیدکننده تجهیزات صنعت برق در داخل کشور، امکان واردات گسترده این کالاها بدون کیفیت و استاندارد لازم از چین و هند به داخل کشور فراهم شده است. صالحی با تاکید بر اینکه هم‌اکنون سازندگان تجهیزات صنعت برق در شرایط اضطراری قرار گرفته‌اند، اظهار داشت: در حالی وزارت نیرو طلب چندین میلیارد هزارتومانی سازندگان تجهیزات برق را پرداخت نکرده که دولت از محل این بدهی‌های خود برای سازندگان مالیات بر ارزش افزوده تعیین کرده است. دبیر سندیکای برق در پاسخ به این سوال مهر مبنی بر تمایل وزارت نیرو برای واگذاری نیروگاه‌ها به جای بدهی خود به سازندگان داخلی بیان کرد: با توجه به اینکه وزارت نیرو امکان پرداخت تضمینی، فروش برق به بخش خصوصی را ندارد، خرید نیروگاه‌ها از این وزارتخانه توجیه اقتصادی برای بخش خصوصی به همراه نخواهد داشت.

تحلیل سیاست‌های ارزی کشور در گفت‌وگو با محسن بهرامی‌ارض‌اقدس

دلالان، بازیگر اصلی بازار ارز نیستند

شرق، راشل آرامیان: تولیدکنندگان داخلی یکی پس از دیگری راهی کشور چین می‌شوند تا خط تولید خود را آنجا راه‌اندازی کنند. برند نام آشنای ایرانی نیز بر تولیدات چینی آنها نقش می‌بندد و راهی بازار داخل می‌شود. عسل خوانسار و رب ایرانی، همان تولیداتی هستند که پیشتر در ایران تولید می‌شدند و حالا در چین. با این تفاوت که تولید این محصولات در چین بسیار ارزان‌تر از تولید داخلی تمام می‌شود. می‌گویند بعد از فرار مغزها این بار باید شاهد فرار تولیدکنندگان کشورمان باشیم که از چین شروع شده و معلوم هم نیست به کجاها بینجامد. در کنار این، واردات قاچاق از پنج‌میلیارد دلار در دولت اصلاحات به ۲۰میلیارد دلار در دولت فعلی رسیده است. اینها همه تبعات تثبیت نرخ ارز در سال‌های اخیر است. در حالی که براساس برنامه چهارم و پنجم توسعه، دولت مکلف شده همه ساله نرخ ارز را با توجه به اختلاف تورم داخلی و خارجی تعدیل مثبت کند، با این حال این اتفاق دست‌کم در سال‌های اخیر نیفتاده و محسن بهرامی‌ارض‌اقدس به صراحت از تخلف دولت در این زمینه می‌گوید. او که سال‌ها در کنار دولت با سمت‌های گوناگون کار کرده با آمدن دولت جدید به بخش خصوصی رفت. حالا بهرامی در کسوت یک فعال اقتصادی در حوزه تولید و تجارت در گفت‌وگو با «شرق» از اثرات منفی نوسان‌های ارزی و حتی پایین بودن نرخ ارز انتقاد می‌کند.

■■■

کارنامه دولت نشان می‌دهد نرخ ارز در سال‌های اخیر به شدت کنترل شده است. شاید واژه تثبیت نرخ ارز بهتر از هر واژه دیگری باشد. آیا سیاست دولت در حوزه ارزی درست است؟

مسوولان کشور در گام نخست موظفند ثبات اقتصادی ایجاد کنند در پی این ثبات حتما باید به دنبال تک‌نرخی کردن نرخ ارز باشند زیرا این ثبات اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه یک نرخ وجود داشته باشد. آن نرخ هم اتفاقا نرخی است که در بازار خرید و فروش می‌شود، یعنی زمانی که فردی برای خرید دلار مراجعه کرد به هر میزان که بخواهد دلار در بازار موجود و قابل خرید باشد زیرا در صورتی که واردکننده نتواند ارز را به قیمت مرجع خریداری کند، نرخ همان نرخی است که در بازار جاری است. اگرچه سهم نرخ قابل خرید و فروش در بازار نسبت به سهم ارز اختصاصی توسط سیستم بانکی برای واردات رسمی بسیار ناچیز باشد.

اگر دولت برای رسیدن به یک نرخ واحد به نرخ بالاتری رسید، چه؟ این افزایش نرخ اشکالی ندارد؟

به نظر من اگر نرخ دلار افزایش یابد نه تنها هیچ اشکالی ندارد، بلکه در شرایط فعلی ضرورت هم دارد.

چرا؟ شما می‌دانید که در صورت افزایش نرخ ارز واردات تحت‌تاثیر قرار گرفته و تورم افزایش می‌یابد.

برای تعیین نرخ ارز باید ببینیم آیا پایین بودن نرخ ارز به نفع کل اقتصاد است یا بالا بودن آن؟ برآیند نظرات کارشناسی این است که نرخ ارز اگر تعدیل مثبت شود به ویژه پس از هدفمندی یارانه‌ها برای اقتصاد بهتر است. زیرا می‌دانید که دولت در مرحله اول اجرای این قانون، قیمت حامل‌های انرژی و خدماتی را که خودش یا نهادهای شبه‌دولتی ارایه می‌کردند، به میزان دلخواه تعیین کرد و افزایش داد، در حالی که اولین هدف قانون هدفمندی یارانه‌ها، آزادسازی نسبی قیمت‌ها بود. وقتی در بازار کالا بخشی از قیمت‌گذاری‌ها آزاد و بخشی دیگر کنترل می‌شود، تعادل بازار به هم می‌خورد. حتی زمانی که بازار کالا آزاد و بازار سرمایه کنترل می‌شود باز هم تعادل به هم می‌ریزد. بازار کالا، پول، کار و سرمایه به یکدیگر مرتبط هستند. همه این بازارها باید از یک منطق پیروی کنند. اما به نظر می‌رسد دولت به دلایل مختلف از این قاعده تبعیت نمی‌کند و کماکان اصرار بر کنترل نرخ ارز، کنترل نرخ سود سپرده و تسهیلات بانکی، تعیین دستوری حداقل حقوق و... دارد.

چرا دولت به صورت دستوری وارد بازار می‌شود و نرخ دلخواه تعیین می‌کند؟

به نظر می‌رسد دولت با هدف تسهیل واردات، فراوانی کالا و کنترل تورم سعی دارد توده مردم یا اکثریت جامعه را راضی نگه دارد و به همین دلیل نیز نرخ ارز را پایین نگه داشته است. دولت فکر می‌کند رضایتمندی کوتاه‌مدت مردم بر همه چیز حتی آثار زیانبار تثبیت نرخ ارز بر تولید داخلی رجحان دارد. شاهدی که بر این قضیه دارم، این است که دولت بعد از ابلاغ قانون هدفمندی یارانه‌ها در سال گذشته، پیش از افزایش نرخ حامل‌های انرژی، اولین یارانه نقدی خانوار را با استقراض از بانک مرکزی پرداخت کرد و تاکنون نیز این روند هر ماه ادامه دارد. این نگاه نشان می‌دهد که دولت، بخش مصرف و تقاضا را بر بخش تولید ارجح می‌داند، چرا که اگر عکس این قضیه صادق بود، ابتدا یارانه تولید پرداخت می‌شد، در حالی که با گذشت یک سال از اجرای این قانون هنوز ۳۰درصد سهم یارانه سال گذشته و ۲۰درصد سهم یارانه سال‌جاری به بخش تولید پرداخت نشده است.

دولت به دنبال چه نرخی است؟

شواهد نشان می‌دهد در سال‌جاری دولت به دلایل مختلف ناگزیر از افزایش نرخ ارز بیشتر از میزان سال‌های گذشته است. گفته می‌شود دولت به دنبال تعیین نرخ قانونی است. خب، قانون این نرخ را مشخص کرده. براساس احکام برنامه چهارم و پنجم دولت مکلف شده، همه ساله نرخ ارز را با توجه به اختلاف تورم داخلی و خارجی تعدیل مثبت کند. من متحیرم از اینکه چرا دولت طی سال‌های گذشته به این وظیفه قانونی خود عمل نکرده و متاسفانه دستگاه‌های نظارتی به ویژه مجلس نیز عکس‌العملی نشان نداده‌اند. نرخ ارز در ۱۰سال گذشته حدود ۲۵درصد افزایش یافته، درحالی که تورم داخلی براساس آمار بانک‌مرکزی به طور متوسط سالانه ۲۰درصد افزایش پیدا کرده است. یعنی در ۱۰سال گذشته قیمت تمام‌شده تولیدات داخلی حدود سه برابر شده، در حالی‌که قیمت ارز حدود ۲۵درصد افزایش یافته است. معنای این قضیه این است که در شرایط مساوی، تولید کالاهایی که در ۱۰سال پیش دارای مزیت بود به دلیل ثابت نگه‌داشتن تقریبی نرخ ارز، عملا زمینه رقابتی خود را یکی پس از دیگری از دست داده‌اند. بنابراین دلایل عدم وجود نام کالاهای سنتی ما در فهرست صادرات غیرنفتی به همین موضوع بازمی‌گردد، بنابراین دولت ناچار است به دنبال واقعی‌تر کردن نرخ ارز باشد.

نرخ واقعی ارز چقدر باید باشد؟

قطعا از میزان فعلی بالاتر است. منظور از نرخ واقعی، نرخی است که قدرت رقابتی ما در بازارهای بین‌المللی را حفظ و از تولید داخل در مقابل کالای مشابه خارجی حمایت کند. علاوه بر این باید منجر به افزایش اشتغال شود، شکاف میان صادرات و واردات را کاهش دهد و تراز تجاری کشور را مثبت کند. اما با نرخ فعلی و دخالت دستوری و پایین نگه‌داشتن نرخ ارز توسط دولت، این اهداف محقق نمی‌شوند. به نظر می‌رسد تعدیل مثبت نرخ ارز در شرایط فعلی که در آستانه اجرای فاز دوم قانون هدفمندی یارانه‌ها هستیم حتما برای اقتصاد ملی ضروری است.

چه عددی؟

محاسبات به‌عمل آمده توسط برخی از کارشناسان حاکی از آن است که اگر سال ۱۳۸۰ به‌عنوان سال مبنا انتخاب شود از آنجا که سطح عمومی قیمت‌ها تا ابتدای سال ۱۳۹۰، ۳/۶۱ برابر و در آمریکا ۱/۲۴ برابر شده است و نرخ ارز در سال ۱۳۸۰ برابر با ۹۲۵/۷ ریال بوده، نرخ دلار در سال ۱۳۹۰ حداقل ۲۳هزار ریال خواهد بود.

دولت با چه پشتوانه‌ای توانسته نرخ ارز را در سال‌های اخیر تا این اندازه کنترل کند؟

سوءتفاهمی برای دولتمردان وجود دارد و آن این است که درآمدهای ناشی از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی که دارایی‌های کشور هستند را درآمد خود تلقی می‌کنند در حالی که اینها جزو درآمد نیست. مانند این است که شما خانه‌ای دارید و آن را بفروشید و بعد مدعی شوید که این میزان درآمد را به دست آورده‌اید در حالی که این پول باید تبدیل به خانه دیگری شود. دولت باید حداکثر، سود حاصل از نقل و انتقال و ارزش افزوده ناشی از تولید را به‌عنوان درآمد منظور کند. دولت‌ها به ویژه در سال‌های اخیر یعنی از سال ۸۴ تا ۹۰، به دلیل افزایش قیمت جهانی نفت که عموما بیش از صددلار بوده سالانه به درآمدی حدود صدمیلیارد دلار برای هر بشکه دست پیدا کرده و با اتکا به دلارهای نفتی، در مقاطعی توانسته قیمت ارز را به همان شیوه قبل کنترل شده نگه دارد اما همان‌طور که قبلا توضیح دادم ارزش ذاتی یا نرخ واقعی ارز به مراتب بیشتر از رقم فعلی است.

بیش از یک سال بازار ارز متلاطم است. شما به‌عنوان یک فعال اقتصادی علت این نوسان‌ها را در چه می‌دانید؟

علت این نوسانات این است که ارزش ذاتی دلار نرخ فعلی نیست و به محض اینکه آفتابی به این مار بی‌جان می‌تابد دوباره جان می‌گیرد. یعنی نرخ ارز با هر بهانه‌ای به سمت عدد واقعی میل پیدا می‌کند. اینکه گفته می‌شود واسطه‌ها و دلالان موجب تنش بازار شده‌اند منطقی نیست. سهم دلالان در تعیین قیمت ارز در مقایسه با میزان ارزی که دولت به فروش می‌رساند بسیار ناچیز است و ابدا نقش تعیین کننده‌ای نیست و بازیگر اصلی بازار ارز، بانک مرکزی است.

البته در کنار این موضوع به نقش نقدینگی مازاد هم اشاره می‌شود که موجب تلاطم در این بازار شد.

بله درست است. بازارها را باید به یک شکل واحد کنترل یا آزاد گذاشت. نمی‌توان یک بازار را به صورت دستوری و بازار دیگر را با نرخ‌های آزادتری کنترل کرد؛ اتفاقی که در بازار پول رخ می‌دهد. در این بازار، نرخ سود تسهیلات به صورت دستوری ۱۲درصد تعیین شده در حالی که نرخ بهره در بازار آزاد حدود ۴۰درصد است. بنابراین بانک‌ها دیگر رغبتی برای پرداخت تسهیلات با این نرخ سود ندارند. از آن سو به سپرده‌های کوتاه‌مدت شش‌درصد و برای سپرده‌های یکساله ۱۲/۵درصد سود پرداخت می‌شود. این نرخ‌ها در شرایطی به صورت دستوری تعیین می‌شود که نرخ تورم فعلی نزدیک به ۲۰درصد است. با این سازوکار قدرت خرید پول کاهش می‌یابد. نرخ تورم در محاسبه نرخ دلار هم لحاظ نشده و نرخ آن نزولی بوده است. در سال ۸۷ که تورم ۲۵/۴درصد بوده قیمت دلار تنها پنج‌درصد افزایش یافته است. یعنی بانک مرکزی در آن سال، نرخ واقعی دلار را ۲۰درصد کاهش داد. این شیوه در تمامی این سال‌ها در پیش گرفته شده است.

تبعات پایین نگه داشتن نرخ ارز چیست؟

این تصمیم یعنی دشوار کردن روزبه‌روز صادرات، تولید را ضعیف‌تر کردن و تسهیل واردات و این هیچ معنایی جز پرداخت یارانه به تولیدکننده خارجی ندارد. محاسبه دیگر به ما می‌گوید به ازای هر یک‌میلیارد دلار واردات حدود صدهزار فرصت شغلی از دست می‌رود. یعنی اگر ما یک‌میلیارد دلار را به جای به کارگیری در واردات صرف تولید داخلی می‌کردیم می‌توانستیم چند ده هزار فرصت شغلی ایجاد کنیم. حالا تصور کنید با صدمیلیارد دلار واردات (۸۰میلیارد دلار رسمی و ۲۰میلیارد دلار قاچاق) چه میزان شغل در کشور ایجاد می‌شود. نوسان‌های ارز و بی‌ثباتی در این حوزه علاوه بر آنکه فعالان بازرگانی را از انجام برنامه‌ریزی باز می‌دارد، در روند پس‌انداز و سرمایه‌گذاری نیز اخلال ایجاد می‌کند. افراد با این حجم از نوسان نرخ ارز نمی‌دانند که پول خود را صرف خرید ارز کنند یا اینکه سکه و سهام خریداری کنند. این مساله جذب سرمایه‌گذاری خارجی را نیز قطعا با اشکال مواجه می‌کند. اگر شما روند جذب سرمایه در دنیا را بررسی کنید، بزرگ‌ترین خاستگاه جذب سرمایه، نفت و گاز است. در منطقه خاورمیانه نیز به همین شکل است. اولویت اول جذب سرمایه در ایران نیز بخش نفت و گاز است. حالا شما میزان جذب سرمایه در ایران را با کشور ترکیه که فاقد نفت و گاز است مقایسه کنید. سرمایه جذب شده در ترکیه ۲۷میلیارد دلار بوده در حالی که ایران ۳/۶میلیارد دلار سرمایه جذب کرده است. حالا مسوولان کشور، این میزان را با رقم قبلی آن مقایسه می‌کنند و از رشدهایی بیش از ۸۰درصد در این بخش سخن می‌گویند. اما آنها هیچ‌گاه سرمایه جذب شده در ایران را با سایر کشورهای منطقه مقایسه نمی‌کنند. پس پایین نگه‌داشتن نرخ ارز آفت دیگری نیز دارد که امکان جذب سرمایه خارجی را با مشکل مواجه می‌کند. زیرا آنانی که سرمایه خود را وارد ایران می‌کنند بعد از مدتی، سرمایه را از کشور خارج خواهند کرد. بنابراین سرمایه‌گذاران باید سرمایه خود را با ارزی که نرخ آن ترجیحی است از کشور خارج کنند. اما این اتفاق نمی‌افتد. زیرا دولت به‌عنوان بازیگر اصلی بازار ارز، به اتکای سوءبرداشت خود که منابع حاصل از فروش نفت را درآمد خود می‌داند، وارد بازار می‌شود و هر زمان که بخواهد نرخ را کاهش یا افزایش می‌دهد و از همه مهم‌تر آنکه در حال حاضر که نرخ‌ها به صورت جهشی افزایش یافته برخی از شایعات از جمله اینکه افزایش نرخ ارز با هدف تامین بخشی از کسری بودجه و برای پرداخت یارانه نقدی خانوارها صورت گرفته، مطرح شده است.

چرا از تعدیل مثبت نرخ ارز دفاع می‌کنید؟

قبلا توضیح دادم چرا نرخ ارز باید افزایش یابد. برای توضیح بیشتر مثالی می‌زنم. مثال بارز آن، کشور چین است. ذخایر ارزی این کشور تقریبا بیش از ۲۵۰۰میلیارد دلار است. این رقم چیزی حدود ۳۰برابر ذخایر ارزی ایران است. کشور چین با داشتن این میزان ذخیره ارزی، نرخ ارز را بالا نگه داشته است. این اقدام، صادرات چین به تمامی کشورها از جمله آمریکا را توجیه‌پذیر کرده و می‌دانید یکی از جنگ‌هایی که میان چین و آمریکا وجود دارد همین مساله است. آمریکا تلاش می‌کند، تعرفه‌های بالا وضع کرده تا از ورود کالاهای چینی جلوگیری کند با این حال تاکنون موفق نبوده است. حالا هم از چین خواسته است نرخ ارز خود را تعدیل کند. ما دقیقا خلاف این سیاست عمل کرده‌ایم. یعنی دولت با پایین نگه داشتن نرخ ارز عملا صادرات را دشوارتر و واردات را تسهیل کرده است. این هم آفت دیگر پایین بودن نرخ ارز است. صادرات بسیاری از کالاها در حال حاضر توجیه ندارد. تولید بسیاری از کالاها نیز از توجیه‌پذیری افتاده است. کالاهایی مانندکیف، کفش، چرم، منسوجات، محصولات غذایی مثل رب، سس، مربا حتی میوه و مرکبات همه وارد می‌شوند که واردات برخی از آنها مانند رب، سس و مربا خنده‌دار است. در این میان، برخی از تولیدکنندگان با فروش سرمایه‌های خود به کشور چین رفته‌اند و تولید خود را در این کشور ادامه می‌دهند. من تولیدکننده‌ای را می‌شناسم که محصول خود را در چین تولید و بسته‌بندی می‌کند سپس آرم و برند کارخانه داخلی بر آن می‌زند و محصول را راهی ایران می‌کند. این نحوه تولید، ارزان‌تر از تولید در ایران است. تعداد این گروه از تولیدکنندگان هم کم نیست و روزبه‌رو هم بر تعدادشان افزوده می‌شود. زیرا این گروه از تولیدکنندگان، شبکه توزیع و بازار دارند و پیش از این تبلیغات خود را انجام داده‌اند بنابراین به راحتی می‌توانند کالای خارجی را بیاورند و با نام کالای داخلی به فروش برسانند. امروز عسل چینی به صورت بشکه وارد کشور و با نام عسل خوانسار روانه بازار می‌شود. تا سه ماه پیش رب‌گوجه فرنگی از چین وارد و با بسته‌بندی و برند ایرانی راهی بازار می‌شد. اگر این وضع ادامه یابد سایر کالاها غیر از میوه، همه وارداتی خواهند شد. خوشبختانه با تذکر رهبری بحث کنترل واردات بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت که کارد به استخوان تولید رسید و از زمانی که رهبری بحث مدیریت واردات را مطرح کردند در حال کنترل است. سال گذشته یک‌میلیارد دلار فقط میوه وارد کشور شده است.

ادامه در صفحه ۱۶

خبر

نابسامانی نرخ ارز دلیل اصلی افزایش قیمت گوشت

■ **فارس:** رییس اتحادیه گوشت گوسفندی خروج غیرمجاز دام از کشور در سایه افزایش نرخ دلار و دینار را عامل اصلی گرانی گوشت گوسفندی عنوان کرد. علی‌اصغر ملکی در پاسخ به دلیل افزایش حدود سه‌هزارتومانی قیمت گوشت گوسفند در بازار گفت: کمبود عرضه دام در میادین و خروج غیرمجاز دام در کشور عامل اصلی افزایش قیمت است. رییس اتحادیه گوشت گوسفندی درباره دلیل خروج غیرمجاز دام از کشور گفت: افزایش نرخ ارز و همچنین ارزش پیدا کردن دینار در برابر ریال باعث شده است تا دام‌های کشور به صورت غیرمجاز به کشورهای منطقه به ویژه کویت و عراق ارسال شود. وی افزود: در حال حاضر از مرزهای کردستان و کرمانشاه دام‌ها به صورت بی‌رویه به عراق و کویت فرستاده می‌شود. ملکی همچنین با توجه به بودن آخر فصل و تمایل بیشتر دامداران به افزایش وزن دام‌ها گفت: بره‌های موجود در اسفندماه وارد بازار خواهند شد. رییس اتحادیه گوشت گوسفندی تصریح کرد: البته با ادامه این روند حتی شاهد افزایش بیشتر قیمت گوشت گوسفندی در بازار خواهیم بود.

اولتیماتوم جدید دولت به خودروسازان

استفاده از ماده سرطان‌زا ممنوع شد

■ **مهر:** معاون رییس‌جمهوری با اشاره به ممنوعیت استفاده یا خرید خارجی ماده آزبست در شرکت‌های خودروساز داخلی اعلام کرد: استفاده خودروسازان با ماده آزبست با برخورد قانونی دولت روبه‌رو خواهد شد. محمدجواد محمدی‌زاده درباره طرح جدید دولت برای ممنوعیت از ماده سمی آزبست در سامانه ترمز خودروهای داخلی و خارجی گفت: در حال حاضر ورود این ماده از خارج به داخل کشور ممنوع شده است. معاون رییس‌جمهوری با تاکید بر اینکه استفاده از ماده آزبست در شرکت‌های خودروساز داخلی ممنوع شده است، تصریح کرد: حتی اگر در انبار برخی از شرکت‌های خودروساز امکان وجود ماده آزبست وجود داشته باشد اما این ماده در سامانه ترمز خودروها نباید استفاده شود. رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست با اعلام اینکه شرکت‌های خودروساز در صورت استفاده از ماده آزبست تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت، اظهار داشت: حتی ثبت سفارش خرید آزبست از خارج کشور هم ممنوع شده است. اخیرا در یک آزمایش میزان آزبست ۱۱ نوع لنت ترمز شامل شش نوع لنت داخلی و پنج نوع لنت خارجی مورد ارزیابی قرار گرفت که نتایج همه آزمایش‌ها مثبت بوده است.

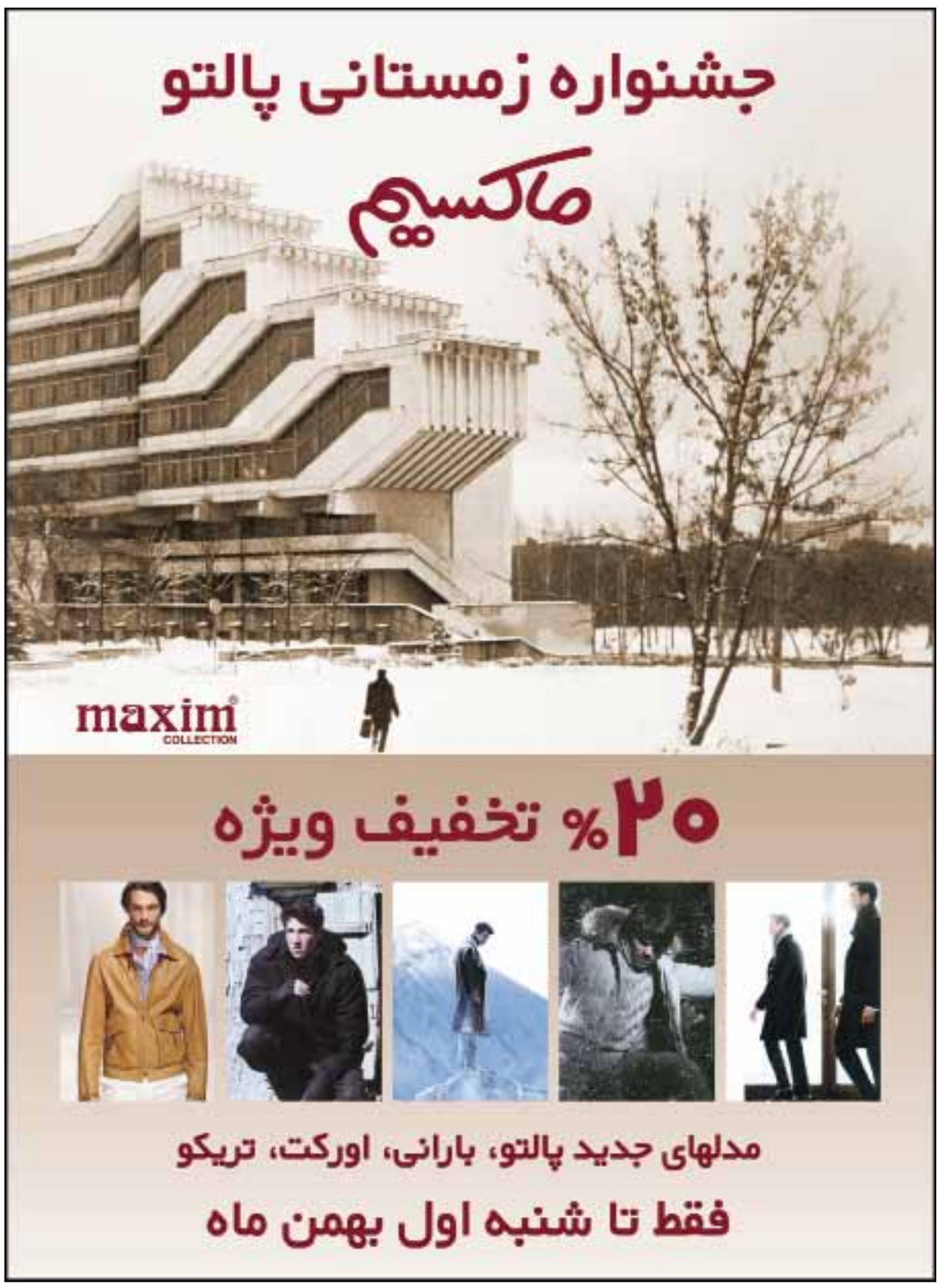

آنچه را که باید بدانیم
کتاب فلزیاب
۰۹۱۲۶۸۳۱۰۰۴
جهت دریافت کتاب و کاتالوگ به‌صورت رایگان آدرس و شماره تلفن و کدپستی خود را پیامک نموده و یا به شماره پیامگیر و یا ایمیل اعلام فرمائید.
مراجعه حضوری: تهرانپارس - پالری - ۲۱۶ غربی به سمت اردیبهشت پ ۳۴
پیامگیر: ۰۲۱-۷۷۰۷۲۱۳۹ پیامک: ۰۹۱۹۵۲۳۳۵۰۵ info@TJA777.COM

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
تلفنی آگهی می‌پذیرد.
۸۸۶۵۸۵۷۵
۸۸۵۲۴۹۷۴
۸۸۵۲۴۹۷۳
۸۸۷۵۲۱۵۹